

"ترک عادت از منافقین که موجب مرض است"

سرقت از مردم در فضای اغتشاش

متأسفانه در روزهای اخیر که منتهی به پایان آبان ماه ۹۸ شد و بعد از اعلام افزایش قیمت بنزین و اجرایی شدن طرح سهمیه‌بندی سوخت، شاهد اتفاقات تلخ و ناگواری بودیم. اعتراضات مردمی که نسبت به این موضوع گلایه داشتند و در برخی از شهرها به خیابان آمده بودند؛ اما با سودجویی عده‌ای فرصت‌طلب به آشوب و اغتشاش کشیده شد. این افراد که در اغتشاشات سال ۹۶ و ۹۷ نیز ردپای آنها به راحتی قابل مشاهده است و به تعدادی از گروه‌های ضدانقلاب وابستگی دارند با تزریق خشونت و آشوب به اعتراضات، آسایش و امنیت را از مردم سلب نمودند. این عده قلیل که تحت هدایت و فرمان گروهک‌های تروریستی همچون منافقین بودند، به پیروی از مشی سرکردگان این گروهک که ید طولایی در این زمینه دارند، با همراه نمودن تعدادی از اشرار خیابانی اقدام به آتش زدن اموال عمومی و حتی خانه‌های مردم نمودند و در کنار این‌گونه اقدامات از دستورالعمل جدیدی که گرفته بودند پرده برداشتند و آن اینکه اقدام به سرقت و دزدی از مغازه‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای کنند که به هیچ وجه جای تعجبی ندارد.

سرقت و دزدی در گروهک منافقین امری است که مسبوق به سابقه است و از دهه ۵۰ تاکنون همچنان ادامه دارد. لذا طبیعی است که سرکردگان خارج‌نشین این گروهک به افرادی که از طریق فضای مجازی پس از شستشوی مغزی و فریب جذب کرده‌اند و لقب شورشی به آنها داده‌اند، فرمان دهند تا جایی که برایشان مقدور است جهت تامین هزینه‌هایشان اقدام به دزدی اموال مردم نمایند. برای آشنایی هر چه بیشتر با این خصلت پلید منافقین در ادامه مروری کوتاه بر تاریخچه سرقت‌های این گروهک لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا نسل جوان کشور با این پدیده شوم بیشتر آشنا شود.

۱- در سال ۱۳۴۹ شش نفر از افراد مجاهدین (منافقین) جهت طی دوره چریکی از طریق غیر مجاز به قطر اعزام می‌شوند، اما افراد اعزامی به اتهام سرقت به وسیله مقامات انتظامی دویی دستگیر و زندانی می‌گردند. با بررسی دقیق روزنامه‌های سال‌های ۱۳۵۶ _ ۱۳۴۹ و اطلاعیه‌های رسمی دو گروه مسلح مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی، در مجموع در طول ۸ سال، حدود ۷۴ مورد حملات مسلحانه به بانک‌ها برای تأمین منابع مالی توسط دو سازمان مزبور انجام گرفته است.

۲- منافقین در مراحل بحرانی حیات خود در برابر سؤالات بیرون و درون تشکیلات، دست به توجیهاتی می‌زدند تا نقص‌ها و کاستی‌های عملکرد تشکیلات خود را بیوشانند. نمونه آن هم هنگامی است که سعید متحدین یکی از اعضای با سابقه آنها به جرم سرقت مسلحانه از یک مغازه طلا و جواهر فروشی حوالی میدان ونک دستگیر شد.

۳- گاهی افراد نفاق در جنگل در مواردی که تدارکات با اشکال و نقصان مواجه می‌شد، از طریق سرقت اموال و آذوقه روستاها که در مشی این گروهک "مصادره" نامیده شده بود، آن را جبران می‌کردند.

۴- بعد از شروع اقدامات مسلحانه منافقین در ۳۰ خرداد ۶۰ ترورهای کور شهروندان در دستور کار اعضا قرار گرفت و بیشتر سعی می شد تا جایی انتخاب شود که خلوت باشد. در این موارد نیز در صورت امکان سرقت پول و اشیای قیمتی صورت می گرفت و پس از ترور سوژه با آتش زدن محل و تیراندازی هوایی تیم ترور از منطقه متواری می شد. رفتارهای آشنایی که همواره در آشوب های خیابانی داخل کشور به خصوص در اغتشاشات هفته اخیر نیز شاهد آن بودیم.

۵- پیرامون دزدی منافقین در جلد سوم کتاب «از پیدایی تا فرجام» از قول یکی از اعضای منافقین می خوانیم: «در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ تدارک کمک های مالی سازمان، در چارچوب جدیدی قرار گرفت. به خصوص از سال ۱۳۶۳ نیازهای سازمان به منابع جدید مالی آشکارتر شد. آن سال سال بدی برای سازمان بود، دم و دستگاه به راه انداخته شده در پاریس، هزینه های سرسام آور جدید، از جمله جیره و تدارک سور و سات متحدان غیر مجاهد و پناهنده های فریفته شده توسط وعده ها و دیگر مخارج غیر قابل پیش بینی نیاز شدید به پول بیشتر را فرا روی رهبری سازمان قرار داده بود. کمک های متداول کشورهای میزبان نمی توانست کفاف این مخارج را بدهد، "برادر صدام" هم که فعلاً در چشم انداز نبود، شرایط بدین نحو بود که رهبری سازمان تصمیم مهمی اتخاذ کرد، تحلیل این بود که "چون امپریالیست ها از نفت ما بهره می برند، همه چیزشان در اصل مال ماست."

به عنوان یک خط تشکیلاتی دستور داده شد که دیگر برای موارد ضروری انجمن های دانشجویان مسلمان (وابسته به سازمان) مانند مواد غذایی، پوشاک و... نباید هیچ مبلغی هزینه شود، همه اعضای انجمن ها باید در «مصادره انقلابی» (بخوانید سرقت از سوپرمارکت ها و مغازه ها) شرکت کنند، نتیجه روشن بود: دستگیر شدن تقریباً همه بچه های انجمن، که با پرونده های قطوری از دزدی، آن هم چند بار، دیگر امکان زندگی عادی را هم از دست می دادند. بگذریم از زد و خوردهای ناهارخوری دانشجویی، سفارت گیری و غیره، که آنها نیز باعث دستگیری خیلی از بچه ها و قطورتر شدن پرونده آنها شده بود. من شخصاً یکی را می شناسم که بعد از ۲۱ سال تازه پرداخت قسط هایش تمام شده است.»

همه این ها در حالی است که منافقین به جز تیم های سرقت و دزدی مزبور که در کوچه و بازار کشورهای اروپایی جولان می دادند، سازمان ها و مؤسساتی را با پوشش خیریه تدارک دیده بودند تا تحت عناوینی همچون "کمک به آوارگان ایرانی" یا "کمک به کودکان آواره ایرانی" از شهروندان غربی تکدی گری کنند که آن هم دست کمی از سرقت جیب مردم اروپایی ندارد.

۶- منافقین طی سرکوب انتفاضه شعبانیه جنوب عراق و شورش کردها در سال ۱۹۹۱ میلادی (پس از جنگ اول خلیج فارس) با اجرایی کردن لفظ مصادره انقلابی سرکرده خود، بسیاری از اموال کردها را به غارت برده و مصادره کردند که پیرامون آن پرونده ای هم علیه آنها در سازمان ملل تشکیل شد.

۷- در کشور فرانسه نیز اعضای منافقین اقدام به دزدین گل هایی می نمودند که اعضای خانواده های متوفی برای مردگان خود بر روی مزار آنها قرار می دادند و سپس اقدام به فروش آن ها می کردند.

علی ای حال این روند سرقت ها از گذشته تا به امروز همچنان به مثابه یک بیماری مسری در بین اعضای این گروهک تروریستی ادامه دارد و هم اکنون شاهد آن هستیم که در کمپ اختصاص داده شده به منافقین در آلبانی این معطل

خودنمایی می‌کند. اعضای این گروهک بعد از اخراج شدن از عراق و کوچ اجباری از پادگان اشرف به کمپ لیبرتی در آلبانی، تازه سر از لاک خود بیرون آوردند و متوجه کلاهی که بر سرشان رفته شدند. آنها از یک فضای کاملاً ایزوله و بسته و به دور از امکانات و تجهیزات روز دنیا در اشرف، وارد فضایی جدید در آلبانی شده بودند و کم‌کم این آزادی تردها در شهر باعث شده بود به جمود فکری خود پی برده و ساز جدایی کوک کنند. لذا سرکردگان این گروهک دست به کار شده و اقدام به تاسیس فروشگاه‌هایی نمودند تا دیگر نیازی به خروج افراد از کمپ نباشد و اعضا می‌توانستند از آنها تهیه کنند. از آنجایی که سهمیه اختصاص داده شده به افراد کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد، بار دیگر دست به کار می‌شوند و با تمسک به دستور رهبر فرقه رجوی اقدام به سرقت از فروشگاه‌های خودشان می‌کنند. در حال حاضر این موضوع بلای جان سرکردگان شده و آنها را دچار سردرگمی نموده است؛ اما باید به این نکته توجه داشته باشند که از ماست که بر ماست.

با مرور مطالب بالا می‌توان به یک ریشه‌یابی روانشناسی و روانشناختی نسبت به موضوع سرقت که در ذات اعضای گروهک منافقین نهادینه شده است، پرداخت. واقعیت امر این است که رهبری فرقه با وادار کردن اعضا برای ترک زندگی عادی با فریب آنهاست که می‌تواند افراد را از زندگی عادی و جامعه جدا کند و در انزوای کامل از جامعه و گذشته خود قرار دهد. حال وقتی که اعضا مجبور می‌شوند شغل و زندگی خود را رها کنند و به عضویت تمام وقت فرقه درآیند و اموال خود را تحت اختیار رهبر فرقه و گروه قرار دهند چاره‌ای ندارند به جز اینکه به‌طور کامل حتی جهت رفع نیازهای شخصی و روزمره خود از خوراک و پوشاک گرفته تا مسکن و دارو وابسته به فرقه شوند. نتیجه بلافاصله وابستگی مطلق مالی در فرقه‌ها ترک زندگی عادی و پیوستن به سایر اعضا و زندگی با آنهاست.

در نتیجه به علت وابستگی ایجاد شده، عضو فرقه گوش به فرمان دستورات رهبر فرقه است و به مرور زمان هم اوامر او به صورت نهادینه شده در وجودش باقی می‌ماند و به صورت عادت‌های زشت و ناپسند اجتماعی در انواع محیط‌های بیرونی بروز و ظهور پیدا می‌کند، چیزی که در گروهک تروریستی منافقین و فرقه رجوی به کرات اتفاق می‌افتد و قابل مشاهده است.